بازخوانی پرونده جنایی

رئیس بانک، قربانی شوهر خیانتکارش شد



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مرد جوان سر چرخاند و با نگاهش همه اتاق را به دقت بررسی کرد؛ همه وسایل خانه سر جایش بود، دوباره به اتاق خواب رفت و روتختی را مرتب کرد. بالش‌ها را کنار هم قرار داد و ملحفه لحاف را که اتو کشیده بود، صاف کرد. همیشه خانه‌شان همین قدر مرتب بود چون همسرش مهناز به تمیزی خانه خیلی اهمیت می‌داد.

بعد به گوشه اتاق خیره ماند. جلوتر رفت و بالای سر جسد همسرش ایستاد. یک لحظه خم شد و به صورت سرد و بی روح همسرش نگاه کرد. پیکر بی جان زن جوان گوشه اتاق کنار کمد دیواری افتاده و انگار خواب بود. به آرامی کنارش نشست و به صورتش زل زد؛ هنوز هم زیبا و بی نقص بود. زیر لب گفت: چرا کار به اینجا کشید؟ نمی‌خواستم زندگی‌مان اینجوری تمام شود. بعد انگشتانش را به هم گره کرد و گفت: مهناز مرا ببخش من لیاقت تو را نداشتم. اصلاً تقصیر خودت بود تو نباید می‌فهمیدی که من بهت خیانت کرده‌ام.

کم کم اشک از گوشه چشم‌هایش روی گونه جاری شد. دستش را دراز کرد و گوشی تلفن همراهش را از روی زمین برداشت و شماره گرفت و منتظر ماند: «اورژانس بفرمایید».

سلامی کرد و گفت: «همسرم دچار حادثه شده خودتان را برسانید.»

بعد از دادن آدرس که یکی از محله‌های شمال پایتخت بود، تماس را قطع کرد. وقتی امدادگران اورژانس سر رسیدند، پس از معاینه زن جوان مرگ او تأیید شد. مرد جوان گفت: «من خانه نبودم، وقتی آمدم با این صحنه روبه‌رو شدم. انگار همسرم می‌خواسته از بالای کمد دیواری وسیله‌ای بردارد که روی چهارپایه رفته و تعادلش را از دست داده و سقوط کرده است.»

اما موضوع مرگ مشکوک زن جوان باید از سوی امدادگران به پلیس گزارش می‌شد. دقایقی بعد مأموران اداره دهم پلیس آگاهی وارد خانه زوج جوان شدند. سؤال و جواب‌ها از شوهر مهناز شروع شد. او همان سناریوی قبلی را برای پلیس شرح داد، سعی می‌کرد ناراحتی را در صدا و صورتش نشان دهد: «برای انجام کاری از خانه خارج شدم، کارم دو ساعتی طول کشید و زمانی که به خانه برگشتم، هر چه زنگ در را زدم، کسی پاسخ نداد. مهناز همیشه در را برایم باز می‌کرد و همین مسأله مرا کمی نگران کرد. کلید را داخل قفل انداختم و وارد شدم، همسرم نبود. وقتی وارد اتاق خواب شدم، با دیدن پیکر همسرم شوکه شدم. هر چه صدایش کردم جواب نداد. ظاهراً برای برداشتن کفش‌های تابستانی‌اش از داخل کمد بالای چهارپایه رفته که تعادلش را از دست داده و نقش زمین شده است.»

تیم تحقیق در بررسی خانه هیچ گونه آثار درگیری و به‌هم خوردگی ندیدند. آثار خراش هم روی بدن زن جوان و همسرش به چشم نمی‌خورد. اما یک جای ماجرا لنگ می‌زد. سؤالی که برای پلیس پیش آمد، این بود که مهناز اگر بر اثر سقوط از بلندی و ضربه به سر و خونریزی داخلی جانش را از دست داده بود باید کبودی و سیاهی دور چشم‌هایش دیده می‌شد. اگر هم بر اثر ضربه بیرونی فوت کرده بود، چرا آثار خون در صحنه وجود نداشت. با اینکه همه شواهد از مرگ بر اثر حادثه خبر می‌داد اما تمیز و مرتب بودن خانه نشان از یک صحنه‌سازی داشت و همین موضوع شک تیم جنایی را برانگیخت. افسر پرونده که فرضیه قتل را در ذهنش مرور می‌کرد به سراغ بازپرس کشیک که در صحنه حضور داشت رفت و پس از مشورتی کوتاه و بعد از دقایقی گفت‌وگو تصمیم برآن شد که مرد جوان به عنوان مظنون به قتل بازداشت شود. محمود که رنگ به چهره نداشت، سعی می‌کرد خود را بی گناه نشان دهد بعد با خونسردی تصنعی و مانند کسی که چند روز بعد قرار است سینه سپر کند و بگوید دیدید اشتباهی مرا گرفته بودید! من بی گناه بودم! اجازه داد تا دستبند به دستانش گره بخورد و بعد هم سوار خودروی پلیس به اداره آگاهی منتقل شد.

رابطه مخفی

تحقیقات تیم جنایی نشان می‌داد مهناز رئیس یکی از شعب بانکی معروف در پایتخت بوده است و شوهرش محمود نیز کار آزاد داشته و وضع مالی بسیار خوبی داشتند بنابراین موضوع اختلاف بر سر مشکلات مالی رنگ باخت. تحقیقات در رابطه با مهناز نشان می‌داد او زنی تحصیلکرده با خانواده و معقول بوده و روابط پنهانی نیز نداشته است. اما تحقیقات درباره شوهرش محمود، راز یک ماجرای عشقی مخفیانه را فاش کرد. او از دو سال قبل با زنی به نام فرنوش وارد ارتباط پنهانی شده و سعی داشته این ماجرا از دیگران و به خصوص همسرش مخفی بماند.

رابطه عاشقانه مخفی، انگیزه محکمی بود برای یک جنایت. با اطلاع از این ماجرا، افسر پرونده که ابتدا بر بی گناهی یا گناهکار بودن محمود مردد مانده بود حالا دیگر کم کم داشت مطمئن می‌شد که او را به درستی بازداشت کرده‌اند.

یک روز صبح افسر پرونده درخواست کرد محمود را از بازداشتگاه به اداره دهم پلیس آگاهی منتقل کنند، زمانی که محمود روبه‌رویش نشست، نگاهی به او انداخت و گفت: «به خاطر فرنوش قتل را مرتکب شده‌ای؟»

مرد جوان با شنیدن این جمله جا خورد. فکرش را نمی‌کرد که راز رابطه پنهانی‌اش به این زودی برملا شود. خودش را جمع و جور کرد و سرش را پایین انداخت. انگار دنبال جوابی می‌گشت تا بتواند افسر پرونده‌اش را گمراه کند. اما هر چه در ذهن آشفته‌اش گشت، جوابی پیدا نکرد و چاره‌ای نداشت جز بیان حقیقت! وقتی سکوتش طولانی شد افسر پرونده با نگاهی نافذ که انگار افکارش را خوانده، گفت: «نگران نباش من وقت زیاد دارم هر وقت خواستی جواب بده اما مراقب باش که راستش را بگویی چون این طوری برای خودت بهتر است.»

محمود که در این چند روز بازداشت دیگر توان مقاومت نداشت، لب باز کرد و گفت: «من همسرم را کشتم. به ظاهر زندگی‌مان خوب بود اما مدتی بود که دیگر محبتی نسبت به همسرم نداشتم. از زمانی که با فرنوش آشنا شدم، دل به او باختم و قرار و مدارهایی را که با مهناز گذاشته بودم به‌طور کل فراموش کردم. فقط جسمم گاهی در خانه بود و فکر و دلم پیش فرنوش بود. این اواخر او هم مدام از من می‌خواست تکلیف زندگی‌ام با او را روشن کنم و من فکر می‌کردم چطور می‌توانم از مهناز جدا شوم.»

او ادامه داد: «با این حال هرگز تصور نمی‌کردم همسرم از این ماجرا باخبر باشد تا آن بعدازظهر شوم که مهناز به من گفت برای خرید جاکفشی به بازار برویم. به او گفتم من حوصله خرید ندارم و نمی‌آیم. مهناز اصرار داشت که با هم برویم. می‌گفت جاکفشی‌مان کوچک است و مجبور است کفش‌ها را روی هم در جاکفشی بگذارد و نصفی از کفش‌ها هم در کمد دیواری قرار گرفته است.»

ترس از آبرو

مهناز اصرار می‌کرد اما من مخالف رفتن بودم، سر همین موضوع دعوای ما بالا گرفت. یک دفعه مهناز با فریاد گفت اگر آن دختره از تو خواسته بود با هم بیرون بروید با سر می‌دویدی ولی من که می‌گویم طفره می‌روی. صدای مهناز مثل زنگ در گوشم می‌پیچید: اگر آن دختره می‌خواست، آن دختره، دختره. مگر می‌شد مهناز از ماجرا باخبر شده باشد، من که سعی کرده بودم او متوجه نشود. خواستم کتمان کنم که مهناز گفت که بیخود حاشا نکن من مدت‌هاست که می‌دانم رابطه پنهانی داری. فقط تا الان نمی‌خواستم به رویت بیاورم اما حالا وقتی به همه گفتم و آبرویت در خانواده و محل کارت رفت، می‌فهمی جواب خوبی‌های من این نبود. خودت هم می‌دانی هر چه داری از من است اما خیلی ناسپاس هستی.

اگر مهناز ماجرا را لو می‌داد، موقعیت و جایگاهم را پیش دوست و آشنا و فامیل از دست می‌دادم. آبرویم می‌رفت و همه می‌گفتند تو با داشتن چنین همسری چطور به او خیانت کرده‌ای؟

درگیری ما در اتاق خواب بود. همان طور که مهناز با گریه حرف می‌زد در یک لحظه دستم به طرف بالشی رفت که روی تختخواب بود. بالش را برداشتم و روی صورتش گذاشتم دیگر متوجه نشدم چکار می‌کنم. چند دقیقه‌ای طول کشید و زمانی که به خودم آمدم، دیدم مهناز نفس نمی‌کشد. من همسرم را کشته بودم. چند دقیقه‌ای کنار جسد نشستم و بعد از آن از خانه خارج شدم. دو ساعتی طول کشید. فکرهای مختلف و سناریوهای گوناگونی در ذهنم ساختم تا این راز را مخفی کنم. با خودم گفتم طلاهای مهناز را برمی‌دارم و می‌گویم سارق وارد خانه شده و او را کشته است. با همین فکر وارد خانه شدم اما با خودم گفتم دوربین‌های در ورودی ماجرا را ثبت کرده‌اند و معلوم می‌شود که سارقی در کار نبوده و خیلی زود برملا می‌شود.

بعد ناگهان فکری به سرم زد، گفتم ماجرا را یک حادثه جلوه می‌دهم. چهارپایه را به نزدیکی کمد دیواری بردم و جسد همسرم را هم در کنار چهارپایه قرار دادم طوری که به نظر برسد او از چهار پایه به زمین افتاده و این حادثه مرگش را رقم زده است. من خانه را کاملاً مرتب کردم که هیچ جای مشکوکی در میان نباشد و با خودم گفتم راز این قتل تا ابد مخفی می‌ماند. اما در همان صحنه قتل بازداشت شدم و مدارکی به دست آمد که باعث شد به قتل همسرم اعتراف کنم.

در این پرونده پس از پایان تحقیقات، متهم محاکمه و از سوی قضات دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی

صبا انرژی
گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری

بیمه تکمیلی درمان کارکنان گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام

گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام در نظر دارد بیمه درمان گروهی مازاد (بیمه تکمیلی) پرسنل خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به مدت یک‌سال به شرکت‌های بیمه‌گر واجد شرایط با موارد به‌شرح ذیل واگذار نماید.

موضوع مناقصه:
- بیمه تکمیلی درمان پرسنل حدود ۸۰۰ نفر

مشخصات واگذاری:
- **مهلت دریافت اسناد مناقصه:** از ساعات ۰۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ روزهای شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ لغایت دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰
- **مهلت تحویل پیشنهادات:** حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶
- **محل دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات:** گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری (هلدینگ صبا انرژی)
- **زمان و مکان بازگشایی پاکات:** ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ در هلدینگ صبا انرژی
- **نشانی:** تهران، خیابان شیراز جنوبی، پایین‌تر از بزرگراه شهید همت، خیابان ۲۰ متری زرتشتیان، پلاک ۱۱، واحد حراست
- **شماره تماس جهت هماهنگی:** ۰۲۱-۴۱۲۳۷۰۰۰ داخلی ۷

شرایط حضور در مناقصه:
۱. دارای صلاحیت و مجوز از مراجع ذیصلاح
۲. برخورداری بیمه‌گذار از رتبه سطح یک توانگری مالی از سوی بیمه مرکزی
۳. به پیشنهادهایی که تعهدات و شرایط مورد درخواست از سوی گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری را تغییر دهند ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴. کارگزاران رسمی بیمه و نمایندگی‌ها، مجاز به شرکت در مناقصه نمی‌باشند.
۵. گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری در رد یا قبول هریک یا تمام پیشنهادها مختار است.
۶. به پیشنهادهای مشروط، مبهم و همچنین پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۷. معامله طبق شرایط مندرج در برگ شرایط و مشخصات معامله صورت خواهد گرفت.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه درج می‌گردد.

هیأت‌مدیره گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام

آگهی فروش اموال پروژه نهال همدان

شرکت رهاورد سازندگی آزادگان در نظر دارد نسبت به فروش شش دانگ املاک مسکونی خود واقع در شهر همدان، خیابان جانبازان، انتهای ۱۸ متری ابوذر، خیابان ۱۰ متری نهال اقدام نماید.
مشخصات کلی: متراژ واحدها از ۱۰۶ تا ۱۴۵ متر، دارای انشعابات آب و برق کارگاهی و دیگر متعلقات و همچنین دارای سند تک برگ
متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و هماهنگی بازدید با شماره ۰۹۱۲۳۲۱۳۵۱۷ به‌نام آقای نادر صیدی تماس حاصل فرمایند.
همچنین جهت دریافت فرم‌های مربوطه از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ لغایت روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ از ساعت ۹ لغایت ۱۶ به آدرس شرکت واقع در تهران، سیدخندان، جلفا، خیابان سیمرغ غربی، خیابان گلزار، کوچه پروانه، پلاک ۲ به واحد فنی شرکت رهاورد سازندگی آزادگان مراجعه نمایند.

آگهی مناقصه
طراحی، ثبت مالکیت و ساخت ماکت ظرف ۲۰ لیتری
نوبت اول

نفت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد طراحی، ثبت مالکیت معنوی و ساخت ماکت ظرف ۲۰ لیتری خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹
نذکرات مهم:
- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی (فشرده)
نوبت اول

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

۱-**مناقصه‌گزار:** شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی تهران میدان جهاد شماره ۱۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶
۲-**موضوع مناقصه:** تخلیه و بارگیری ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن کالای فله در بندر چابهار
۳-**زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:** متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی تا مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۵ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.
۴-**هزینه تهیه اسناد:** واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۴۰۰۵۹۱۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۳۹۴۲۱۰۰۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانک‌ها به‌صورت پایا.
۵- **مدت اعتبار پیشنهادها:** سه ماه از تاریخ بازگشایی پیشنهاد مالی می‌باشد.
۶-**مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه:** واریز وجه نقد به مبلغ ۲۷۱/۸۹۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR۳۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط با تمدید اعتبار ۳ ماهه.
۷-**زمان و محل گشایش پیشنهادها:** ساعت ۱۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۰ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲) طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.
۸-**نحوه تکمیل و تنظیم پاکات مناقصه:** مناقصه‌گران می‌بایست بر طبق شرایط و دستورالعمل شرکت در مناقصه نسبت به تکمیل و تنظیم و ارسال پاکات اقدام نمایند.
۹-**زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه:** مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه شامل پاکت‌های ارزیابی کیفی، الف، ب و ج را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir درج و در عین حال فیزیک پاکت‌های ارزیابی کیفی و الف را ظرف مدت دو هفته از آخرین روز دریافت اسناد تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۹ به نشانی تهران میدان جهاد- شماره ۱۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران - طبقه هفتم - دبیرخانه محرمانه حراست تحویل و رسید دریافت نمایند.
۱۰-مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی دریافت نمایند.
۱۱-متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر می‌توانند به‌شماره تلفن ۸۴۳۹۹۷۴۲ تماس و همچنین آگهی فراخوان را از طریق نشانی اینترنتی www.gtc-portal.com ملاحظه نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد. مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴-دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استانها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه‌گر» موجود است.

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

ایران
ویژه تهران
فقط با یک تماس مشترک روزنامه ایران شوید
شماره امور مشترکین
۸۸۷۴۸۸۰۰
۰۹۰۲-۴۱۹۸۲۹۶